



ازگان مرکزی حزب توده ایران

تک شماره ۱۵ ریال

لایحه قانونی مطبوعات بازتاب روح انقلاب ایران نیست

د امتیاز نشریه به اشخاص حقیقی... داده می شود «باین ترتیب لایحه، احزاب، جمعیت ها، گروهها و سازمان های سیاسی را در واقع برسمیت نشناخته و اینگونه شخصیت های حقوقی نخواهند توانست نشریه منتشر کنند.
ماده ۳
در این ماده آمده که هنگام درخواست برای دریافت امتیاز باید در اظهارنامه نوع نشریه و اصول فکری و اعتقادی و بقیه در صفحه ۴

آنچه عمداً یا سهواً دل اینجا فراموش شده اینست، محکومیت کفتری بموجب کدام نظام ورژیم؟ نکته بعد، کلی و قابل تفسیر بودن تقوای سیاسی و صلاحیت اخلاقی است. و با توجه به آنکه در مواد بعدی تشخیص این صلاحیت و تقوای بعدی وزارت ارشاد ملی و وزیر آن سپرده شده، براحتی می شود به کسی یا کسانی امتیاز نداد.
در همین ماده تصریح شده است که

زیرین بر لایحه جدید وارد است، ماده ۲
در ماده دوم این قانون ۶ شرط برای صاحب امتیاز شمرده اند، از جمله، «نداشتن محکومیت کفتری که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد» و «معروف بودن بدستوری و امانت داری و تقوای سیاسی و حسن شهرت و صلاحیت اخلاقی».
هر چند در اصل موضوع نداشتن محکومیت کفتری حرفی نیست، اما

وزارت ارشاد ملی، لایحه قانونی مطبوعات را منتشر کرده است تا اقر عمومی در باره آن نظر خود را اعلام کند.
این لایحه، بنظر ما، دارای نقائص بسیار - پدی است و باین شکل نمیتواند بازتاب روح انقلاب ایران باشد که از هدف های آن کسب آزادیهای دموکراتیک از جمله آزادی مطبوعات بود.
بن بنیاد خواست های دموکراتیک حزب ما از آزادی مطبوعات، ایرادات

توطئه هائی از همه رنگ در کار است!

آنهایکه به آرمانهای خلقی و ضد استعماری انقلاب پیگیرانه وفادارند، دقت کنند که در انواع دامهای گسترده نیافتند!

زود بمیدان آمدند و فرصت را از چنگ مردم ربودند. حالاهم میخوانند همان صحنه را تکرار کنند و اگر بتوانند ستارخانها و حیدر عمواغلی های انقلاب را، سه نیست نمایند.
ولی مردمیکه در این انقلاب دهها هزار شهید دادند، بکلی خواست دیگری دارند. آنها امپریالیسم امریکامحیدرینش را دشمنان استقلال ملی و حاکمیت خلقی میدانند و میخواهند ریشه سیاست نو- استعماری امپریالیسم در ایران برکنده شود. میخواهند صدها قرارداد نظامی، تجاری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی سری و علنی با امپریالیسم نشوگرود. میخواهند عمال در پسرده و بی پرده امپریالیسم از مقامات حساس جامعه ما دور شوند. زیرا این شرط اصلی مستقل بودن است و مستقل بودن پایه اساسی آزاد بودن. آزادی، در چهارچوب سرمایه داری وابسته و اسارت در چنگ امپریالیسم، ممکن نیست.

کشیده شده اند، اکنون نیز به تفکر سیاسی خود وفادارند، برای آنها کامکان مسئله مرکزی، مسئله «آزادی»، «آزاد» بمعنای خاص بورژوازی کلمه است.
مسئله روشن است، آنها همه چیز دارند. امپریالیسم، یا به بیان آنان «دمکراسی غرب» و همچنین «نظام سرمایه داری»، مزاحمتی برای آنها نبوده و نیست. بلکه برعکس، آنها فقط میخواهند از «سپهره اعضای خانواده پهلوی» خلاص و در حکومت شریک شوند، که این منظور، باضاف، به برکت خون و اشک مردم انقلابی، به برکت سستی و اراده امام خمینی در جریان رهبری انقلاب، حاصل شده است. حالا فقط یک چیز میخواهند، «آزاد باشند»! آزاد باشند تا وزیر وکیل شوند، آزاد باشند تا تجارت کنند، آزاد باشند تا از انواع امتیازات برخوردار گردند، آزاد باشند که از انقلاب خلق میوه چینی کنند. در انقلاب مشروطیت نیز این میوه چینیان

وضع در کشور ما، پس از یک انقلاب زنگه دوران ساز، که یکی از مهمترین نیکاهای سیاسی، اقتصادی و نظامی امپریالیسم را از چنگش بیرون کشید، بران پیچیده و پرچوش و خردش را بگذراند. دورانی که بفرنی و پیچیدگی سیاسی اجتماعی آن پهراتیب اندوزان بر ندازی رژیم شاه منطوق بیشتر است.
پس از آنکه وظیفه دشوار و مهم از همان برداشتن سد استبداد سلطنتی دست نشاند امپریالیسم برداشته شد، اینک جامعه میخواهد «انتخاب کند»، پس از سلسله متعوس و ناسد پهلوی چه کند، از کامین راه برود و چگونه جامعه ایران را در جهت سمت های اساسی سوق دهد؟ کسانی که در پیش اول انقلاب (پیش براندازی) سیاست سازشکارانه شاد- باید سلطنت کند نه حکومت را مصر را دنبال میکردند، سپس بدنیال رهبری قاطع ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی امام خمینی، خواهر و ناخواه،

پروفیسور مکرری گفت:

روابط ایران و شوروی بسیار خوبست

آقای پروفیسور محمد مکرری، سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد شوروی طی مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری مطبوعاتی نوستی، در مورد روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی اظهار داشت، «ما برای استحکام بیشتر روابط حسن همجواری با همسایه شمالی خود کوشش خواهیم کرد. ما می توانیم و باید به اجرای اصول حق حاکمیت کشورها نائل شویم، اصولی که اتحاد شوروی در راه تحقق آنها مبارزه میکند و ما تمام و کمال از آنها پشتیبانی میکنیم. ما بدون مداخله در امور یکدیگر می توانیم و باید روابط دوستانه واقعی و مستحکم بین کشورهای خود ایجاد کنیم. رهبران دولت ما - نخست وزیر مهدی بازرگان، وزیر امور خارجه دکتر ابراهیم یزدی و سایر شخصیت های بلندپایه تصریح نموده اند که ما میخواهیم با تمام کشورها و بویژه با اتحاد شوروی که نزدیک ترین همسایه ماست، مناسبات دوستانه و صمیمانه داشته باشیم.»

آقای پروفیسور مکرری افزود: «روابط سیاسی بین کشورها بر امور مشخص استوار است. ما باید روابط اقتصادی، فرهنگی و بازرگانی را با رعایت منافع یکدیگر همه جانبه توسعه دهیم. و این امر کاملاً میسر است، زیرا اتحاد شوروی مانند کشورهای سرمایه داری استعمارگر نیست. اتحاد شوروی هرگز از پشت بما ضربه نزود و به انقلاب ما لطمه وارد نیاورد.»

بدین ترتیب تمام امکانات برای توسعه دادن مناسبات ما بر مبنای معقول و قابل قبول برای طرفین موجود است و این امر البته بر بهبود روابط سیاسی بین اتحاد شوروی و ایران تأثیر خواهد گذاشت.

برای توسعه چنین روابطی امکانات مطلوبی فراهم میشود، چرا که نهاد اجتماعی جمهوری اسلامی ایران اصول سرمایه داری را نمی پذیرد. به همین سبب علاقه ما نمیتواند بسوی دنیای سرمایه داری باشد. تمام شرایط برای بسط دوستی واقعی با اتحاد شوروی وجود دارد.»

در مورد توسعه روابط فرهنگی ایران با اتحاد شوروی آقای پروفیسور مکرری اظهار داشت، کشورهای ما از نظر روابط فرهنگی بسیار بهم نزدیکند... من اطمینان دارم که روابط فرهنگی ما بسط و تحکیم خواهد یافت. در اتحاد شوروی آثار زیادی در موضوعات فرهنگ، تاریخ و ادبیات ایران با تیراژ زیاد چاپ و منتشر میشود.

بقیه در صفحه ۴

بانک های خصوصی ملی شدند باید سایر عوامل غارت و وابستگی را نیز ریشه کن کرد

شورای انقلاب اسلامی با تصویب قانون ملی شدن بانک های خصوصی نخستین گام را در راه ایجاد زمینه لازم برای سالم کردن اقتصاد کشور برداشت. این گامی است مثبت که مورد تأیید کامل حزب ماست.
بانک های خصوصی، که در دوران سلطنت محمدرضای مخلوع، بخصوص در دوران پس از «انقلاب سفید»، با سرعت بوجود آمدند و گسترش یافتند، بر تمام پیکر اقتصاد بیمارگونه کشور چنگ انداختند و بر ضعف و شکنندگی آن بی تأثیر افزودند.

بانک های خصوصی، که با سرمایه اولیه ناچیز وارد میدان شده بودند، با گردآوری سپرده های مردم و سایر منابع، میانی عظیم، که ۱۵-۱۶ بار بیش از سرمایه بانکی آنها بود، به غارت مستقیم و غیرمستقیم همین مردم پرداختند. در پایان سال ۱۳۵۶، از جمع سپرده های بانکی، ۶۶۵ میلیارد ریال سپرده جاری بدون بهره، ۶۶۶ میلیارد ریال سپرده پس انداز یا حداکثر ۸ درصد بهره و ۶۶۹ میلیارد ریال سپرده مدت دار با حداکثر ۱۰ درصد بهره بود. باین ترتیب بانکها بطور متوسط ۶۶ درصد بهره سالانه به این سپرده ها پرداختند، ولی در مقابل وامها و اعتبارات اعطائی خود، بیش از ۱۳ درصد، یعنی نزدیک به دو برابر بهره می گرفتند.

این بانک ها سرمایه های گردآوری شده را، بجای آنکه در امور تولیدی بکار اندازند، بیشتر به فعالیت های سودآور غیر تولیدی تخصیص میدادند (اعتبارات کشاورزی و صنعتی و ساختمانی فقط ۴ درصد کل اعتبارات را تشکیل میداد). اعتبارات تولیدی نیز بیشتر در دسترس بزرگترین سرمایه داران وابسته، که خود در عین حال صاحبان بانک های خصوصی بودند، قرار میگرفت. سرمایه داران و تولید کنندگان کوچک از اعتبارات و تسهیلات بانکی بهره ای نداشتند و زیر فشار سیستم بانکی، رباخواری و رقابت کالاهای خارجی و تولید کنندگان بزرگ داخلی دچار ورشکستگی میشدند.

بانک های خصوصی که بدست سرمایه داران بزرگ تشکیل میشدند، امکان درآمیختن سرمایه های بانکی را با سرمایه های صنعتی فراهم آوردند و باین ترتیب باعث پیدایش سرمایه مالی، که نمودار نهایت فساد نظام سرمایه داری است، گردیدند. بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران بزرگترین نمونه درآمیختگی سرمایه بانکی با سرمایه صنعتی است. وامها و سرمایه گذاری های این بانک در مهم ترین بخش های اقتصادی کشور، از ۸۶۵ میلیون ریال در سال ۱۳۴۴ به ۴۳۶۶۸ میلیون ریال در سال ۱۳۵۴ رسید، یعنی ۴۰ برابر شد!

بقیه در صفحه ۵

دست «سیا»

در دستکش ضد انقلاب

سازمان جاسوسی امریکا، «سیا» با استفاده از تمام امکانات خود، سرگرم تحریک و توطئه و تخریب علیه انقلاب ایران است. طبق اطلاع محافل غربی، بیش از ۱۰۰ کلیمند «سیا» که در زمینه اقدامات تخریبی علیه رژیم های مترقی ایران سرگرم فعالیت اند. بموجب اطلاع همین محافل، تعداد عمال اداره جاسوسی امریکا در ایران، در حال حاضر تا حدود ۲۰۰۰ تخمین زده میشود. در اوائل ماه مه، درانستیتوی خاور نزدیک واشنگتن، سمپوزیوم مبارزه با انقلاب ایران تشکیل شد. در این سمپوزیوم، مسئله وارد آوردن فشار سیاسی بر ایران و تخریب نیروی

انقلاب از داخل، مورد بحث قرار گرفت و تصمیماتی در این باره اتخاذ شد، که عمل سنای امریکا در دفاع از خائنان ایرانی نمونه ای از آنست. در کاخ سفید واشنگتن نیز «گروه ویژه» ای تشکیل شده، که اعضاء آن از میان کارکنان سیا، وزارت خزانه داری و پنتاگون برگزیده شده اند، که وظیفه آنها باصطلاح «مطالعه» درباره اوضاع ایران است.
اگر تاکنون ایران و امریکا مراکز عمده توطئه علیه انقلاب ایران بوده اند، اخیراً اسرائیل هم بر آن افزوده شده است و پرویز ناپیتی، جانی معروف و معاون نصیری معدوم، در اسرائیل سرگرم تعلیم گروه های

بقیه در صفحه ۵

- رویدادهای ایران
- ۱ - حرف کافی نیست، قاطعانه عمل کنید
 - ۲ - قضاوت کنید، دشمن اصلی انقلاب ایران کیست؟
 - ۳ - اشتباه نشود! مردم خواهان لغو قرارداد های اسارت بار هستند.
 - ۴ - بزرگداشت روز بهار سنج
- «مشروح خبرها در صفحه ۲۷»

رویدادهای ایران

● حرف کافی نیست، لاطمانه عمل کنید

آقای دکتر صادق طباطبائی، معاون وزارت کشور، در گفتگویی با خبرنگار روزنامه اطلاعات در مورد قانون جدید اساسی ایران گفت که در چند روز آینده پیش نویس قانون اساسی منتشر خواهد شد. او گفت متنی که قبلاً منتشر شده بود، پیش نویس قانون اساسی نیست و در متن پیشنهادی قانون اساسی، عبارتی مانند «نمایندگان مجلس شورای ملی چپ گرا و یساراست گرا نباید باشند» نیست.

دکتر طباطبائی در همین گفتگو به یک مسأله روز و مهم دیگر اشاره کرد که بقیه ما دولت باید با قاطعیت هر چه بیشتر درباره آن اقدام کند تا از تقویت ضد انقلاب در بیرون از مرزهای ایران که به نوعی با درون مرزها ارتباط دارد، جلوگیری شود. البته این مسأله با خروج ثروت های ملی و پناهنده شدن و فرار غارتگران ثروتهای ملی ایران نیز ارتباط مستقیم دارد.

وی گفت افرادی که پرونده های جنائی و حیثیت امسال عمومی در دادگاههای ایران دارند و باید محاکمه شوند، نباید از سوی کشورهای دیگر پناهنده محسوب شوند و از حق پناهنده گی استفاده کنند. طبق قوانین بین المللی کشورهای خارجی نمیتوانند باین افراد که مجرم سیاسی هستند، پناهنده گی سیاسی بدهند. اگر کسی دلتی بخواد که به یک کشور خارجی پناهنده شود، این حق را دارد، ولی افرادی که مجرمند و در ایران پرونده دارند و احیاناً اگر در ایران می بودند، ممنوع الخروج بودند و اینک در کشورهای اروپائی مشغول پرسه زدن هستند، اگر تقاضای پناهنده گی سیاسی کردند، دولت مربوطه قبل از اینکه در این مورد اقدام کند، باید با دولت ایران ارتباط بگیرد تا اگر پرسونده ای در مورد تقاضا دهنده وجود داشت، در اختیارشان گذاشته شود. ما ضمن تأیید این اظهارات خواهان انتشار لیست ممنوع الخروجها و کسانی هستیم که باید تسلیم دادگاهها شوند و اکنون یا در گوشه کنار ایران پنهان شده و سرگرم توطئه اند و یا به خارج از ایران گریخته اند و اغلب در توطئه هایی که علیه انقلاب ایران پی ریزی میشود یا عیلا دست دارند و یا پولشان نقش حساسی را ایفا میکند. در این زمینه باید توسط سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای دیگر به تمام دولتهای این کشورها در این زمینه هشدار داده شود و از تمام آنها تقاضای همکاری در این مورد شود.

● تقاضوت کنید، دشمن اصلی انقلاب ایران کیست؟

در حالیکه از جوانب مختلف و با نیرنگهای رنکارنگ سعی میشود، امریالیزم امریکا از زیر ضربات پیمای انقلاب ایران خارج شود، و جبهه های موهوم دیگری بتواند دشمن در برابر مردم انقلابی ایران میکشاند و حتی نخست وزیر دولت موقت در سخنرانی عجیب و در تاریخ ماندنی خود بمناسبت سالگرد قیام ۱۵ خرداد، اسرائیل را دشمن اصلی انقلاب ایران قلمداد میکند و درباره امریکا لب از لب نمی گشاید، در روزهای اخیر، از زبان آقای ماسترون سفیر امریکا در کویت، که از کارشناسان سیاست استعماری و امریالیستی امریکاست و در منطقه خاورمیانه نقشی فعال دارد، حقایق انتشار یافت که گوشه ای از هزار چشمه سیاست ضد بشری امریکاست و ارتباط مستقیم با انقلاب ایران دارد. این اظهارات را بخوانید، «یکی از اصول سیاست امریکا گسترش راههای کمک به کشورهای منطقه بمنظور تحکیم وسائل دفاعی (همان سیاستی که منجر به حضور ارتش ایران بمنوان زاندارم زیر فرمان امریکا در منطقه شد و میلیاردها دلار اسلحه امریکا را در مقابل قتل و فلاکت روزافزون مردم ایران بطرف ایران سرازیر کرد) خودشان است. آقای ماسترون در همین اظهارات اشاره به سفر یک هیات نظامی امریکا به سرپرستی آلن ریدویل کرد، که ماه پیش (بعد از پیروزی انقلاب ایران) و در هم کوبیده شدن ارتش و پایان نقش زاندارخی ارتش شاهنشاهی ایران) برای بررسی امکانات اعطای کمکهای آموزشی به نیروی دریائی کویت به خلیج فارس صورت گرفت.

برای جلب نظر هر چه بیشتر دولت موقت، نخست وزیر دولت موقت و تمام رهبران انقلاب و کسانی که قلبشان برای ایران و انقلاب و استقلال آن است، این خبر را هم از روزنامه القیس می آوریم که از واشنگتن گزارش شده است: «کاخ سفید طرح سایروس ونس، وزیر امور خارجه امریکا، برای ایجاد یک فرماندهی خاورمیانه ای در پنتاگون را بررسی کرد. همین روزنامه نوشته است که ژنرال رالف لاورنس، که سه ماه در عربستان سعودی اقامت داشته تا اوضاع نظامی منطقه را از نزدیک بررسی کند (در گرما گرم انقلاب ایران و در آستانه سقوط رژیم پادشاهی به امریکای شاه مخلوع، امریکا حتی پشت مرزهای ایران و در کشورهای منطقه هم

آزادیخواه، همه نیروهایی که به حفظ و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب علاقمندند، میکوشند. حزب ما تمام گامهای لازم را در این راه برداشته است و در زمینه نوسازی اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران در شرایط مشخص کنونی، آنچه برنامهای را مطرح کرده که برای اکثریت مطلق جامعه، از پرولتاریا تا بخش دموکراتیک بورژوازی ملی، پذیرفتنی است. کاری نکنیم که فرصت فوت شود و فطرت ندامت ببار آورد، زیرا انقلاب حق ندارد در نیمه راه باشد و در مقابل منافع خلق و انقلاب هیچ شخصیت و وجهه رد نپذیری وجود ندارد.

ضد انقلاب، یعنی امریالیسم و بقایای رژیم سرنگون شده، از تفرقه نیروهای انقلابی لذت میبرند. آنها، تا حد و دزیادی این وضع را، بدست عمل رنکارنگشان، خودشان بوجود آورده اند. حال آنها همه جاد برای تسهیل این نفاق صحنه آرائی کرده اند. شایعه دروغ، تحریک، تفرقه، نفاق ملی، کارشکنی، ناراضی ترشی، فلج اداری، هر چه مروج اقتصادی و انواع آزار

همه امکانات خود برای جلوگیری از پیروزی قلمی انقلاب ایران استفاده میکرد و برخلاف اظهارات آقای نخست وزیر واقعیت را که پهاختن خلق ایران برای استقلال و آزادی بود، پنهان کرده بود. نامزد تصدی فرماندهی نیروی نظامی یکصد زار نفری امریکائی، ما را در عمل «سرکوب انقلابها» در منطقه خلیج فارس شده است. تاکنون ۴۰ هزار نفر از افراد این نیرو آموزش جنگهای صحرائی دیده اند.

● باز هم دشمن اصلی ایران را نشناخته اید!

اشتباه نشود! مردم خوب ایران لغو قراردادهای اسارت با هستند آقای ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه ایران، در گفتگویی با خبرنگار نیایتد پرس گفت که ایران قصد ندارد موافقت نامه های خود را با آن شرکتهای ریکائی که توانسته اند طرحهای در دست اجرای خود را در ایران به پایان برسانند، بکنند، زیرا میخواهد اطمینان یابد که آنها کارهای ناتمام خود را به پایان خواهند رسانند. در مورد لغو قراردادهای بین ایران و امریکا، آقای یزدی در همین گفتگو اظهار داشت که همه قراردادهای لغو نمیشود، زیرا بطور مثال یک شرکت امریکائی قراردادی با ایران امضاء کرده است برای نصب ۹۰۰ هزار تلفن. این شرکت تاکنون از ۶۰۰ میلیون دلار ارزش قرارداد، ۴۰۰ میلیون دلار آنرا دریافت کرده است. حال آنکه فقط ۳۰۰ میلیون تصب کرده، که هنوز هم به کار نیفتاده است. فکر میکنید چنین قراردادهایی را باید لغو کرد؟ ما این شرکت را مجبور میکنیم که طرح را بر اساس مقررات بین المللی به پایان برساند. وزیر خارجه همچنین گفت که دولت هنوز نمیداند که چند هزار موافقت نامه بین ایران و دولتهای خارجی وجود دارد. ما از تمام وزارتخانه ها خواستیم که اطلاعات مربوط به این گونه قراردادهای را فراهم آورند.

در این گفتگو از آنچه صحبت به میان نیامده است، قراردادهای نظامی و در رأس آنها قرارداد تنکین و اسارت بار دوجانبه بین ایران و امریکاست، که خلق ایران خواهان لغو هر چه سریعتر است و دلیل تعلل در این زمینه را از سوی دولت موقت هنوز نمیداند، والا در باره قراردادهایی که نمونه ای از آنرا آقای وزیر خارجه مطرح کرده است کدام ایرانی است که نداند و یا نخواهد تا آخرین ریالی را که برای انجام طرحها پرداخت شده، باید یا پس گرفته شود و یا طرح مورد نظر تمام و کمال اجرا شود؟

● یزرگداشت روزبه در سنندج

دوستان ما در سنندج با شایستگی مراسم بزرگداشت رفیق شهید خسرو روزبه را بموقع خود برگزار کردند، ولی گزارش آنها گویا در راه کم شده یا توسط پست نرسیده، بنحویکه اخیراً یک گزارش دیگر فرستاده اند. آنها یادآوری میکنند که مراسم با شکوهی در سالن کوروش سابق برگزار شد، که از شهرهای دیگر کردستان هم هواداران آمده بودند و محیط سرشار بود از صداقت و شور و هیجان. شاید برای اولین بار بود که مردم کردستان توانستند آشکارا یاد این قهرمان بزرگ ایران را گرامی دارند، برای اولین بار دور از سر نیزه و کلاه خود عمال امپریالیسم امریکا. در این مراسم پس از سخنان نماینده جوانان و سرود حزب و سخنرانی پیرامون زندگی و نبرد روزبه قهرمان، دوتن از زندانیان سیاسی، رفیق اسماعیل ناصری و رفیق کامران صحبت کردند. رفیق ناصری همگان را فراخواند که بپایند راه قهرمانان را پی گیری کنیم. رفیق کامران گفت:

آنانکه موزیانه سعی میکنند روزبه را از حزبش جدا کنند، باید بدانند که روزبه خود هویت خویش را روشن کرده است. روزبه یک اترناسیونالیست بزرگ بود.

پیامهای مختلفی از کرمانشاه و قصر شیرین و قره و همدان قرائت شد. بزبان کردی مردم شمارها میدادند.

یک دوست کارگر سخنانی پرشور گفت که مورد توجه حضار قرار گرفت. چندین شعر در باره روزبه و همچنین شعر وحدت و تشکیلات لاهوتی بر نامه را کامل کرد.

«مردم» از خوانندگان خود بملت اینکه گزارش، مستقل از خواست و آگاهی ما دیر رسید، پوزش میطلبیم و برای درست کردن خود موقیتهای همه جانبه را آرزو میکنیم.

بقیه از صفحه ۱

پرفسور مگری...

ما البته از دانشمندان شوروی بمناسبت مساعی که مبذول میدارند و روی آثار مربوط به فرهنگ و تاریخ ایران کار میکنند، سپاسگزاریم. امیدواریم که در آینده دانشمندان شما، همراه با دانشمندان ایران، کتابهای جالبی درباره خاورشناسی، ایران شناسی و اسلام برشته تحریر در آورند.

من امیدوارم که روابط ما در رشته های فرهنگ، علم، اقتصاد و بازرگانی با موفقیت درآینده بسط و گسترش یابد. ما باید نزدیک تر با هم همکاری کنیم. مناسبات میان کشورهای ما بر اصول سالم مبتنی است. کوشش در زمینه نزدیک ساختن کشورهای ما بتبغ هر دو ملت خواهد بود.

پرفسور مگری، که برای دادن گزارش و تبادل نظر با امام خمینی دولت، اینک در تهران است، در مصاحبه ای با خبرنگار آزادی پارس گفت:

«دولت و مردم شوروی انقلاب ایران را یک حماسه جهانی تلقی می کنند.» پرفسور مگری اعلام کرد که روابط ایران و شوروی بسیار خوب است و

افزود:

«مقامهای دولت شوروی قول داده اند که هر وقت در امور داخلی ایران مداخله نخواهند کرد.»

سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد شوروی، ضمن اشاره به اظهارات لئونید برژنف، گفت: «دولت شوروی هر گونه دخالت خارجی در امور داخلی ایران را محکوم کرده و علیه دخالت های کشورهای دیگر اخطار داده است.»

پرفسور مگری گفت: در ایران بعضی چپ گراها و عمالی که معلوم نیست از کدام مواضع مینویسند و امپریالیستی الهام می گیرند، خودشان را برای تجزیه طلبی به شوروی می چسبانند. وی از قول مقامات دولت شوروی اعلام کرد که: «دولت شوروی با گروههای تجزیه طلب، که خود را وابسته می سازند یا به چپ گرائی تظاهر می کنند، که احتمالاً ساواکی و عمال اسرائیل هستند، هیچ ارتباطی ندارد.»

پرفسور مگری در مورد قراردادهای ایران و شوروی گفت: «دستی بدخواهان نمی توانند متکرر نقش مثبت همکاری های اقتصادی ایران و شوروی شوند، زیرا بر اساس اظهارات مقام های شوروی، روابط اقتصادی و فنی، با بهره برداری سیاسی شوروی ارتباط ندارد.»

پرفسور مگری در این مصاحبه به تأمین منافع بیشتر در روابط اقتصادی ایران و شوروی، برای ایران تأکید کرد و گفت یک هزار نفر از ایرانیان متقیم شوروی تقاضای بازگشت کرده اند و با تقاضای آنها موافقت شده است.

بقیه از صفحه ۱ توطئه های از همه...

با اظهارات برخی از رجال و روحانیون هوادار آنها، واکنش امام خمینی و دیگر سخنگویان حزب جمهوری اسلامی در قبال این اظهارات و نطقها، همه و همه جلوه سحائتی از تشدید برخورد این دولتی است. حزب ما معتقد است که، علی رغم برخی سخنان وادار و اعمال جداگانه، سستی و تقییب شده از جانب روحانیت مترقی، از جهت ماهیت اجتماعی خود، بسر مراتب پیش از مشی تقییب شده از طرف برخی از گروهها و شخصیت های سیاسی مخالف این روحانیت، جلوه گاه آرمانهای خلقی است و به همین جهت حزب ما وظیفه خود شمرده است که از این مشی، که در رهبری قاطع امام خمینی متجلی است، پشتیبانی کند و تا زمانی که این مشی در مسیر درست خویش پیش میرود (که بنظر ما پیش میرود)، اجراء این وظیفه ادامه خواهد یافت. برای مامسله بر سر نوسعی در مصلحت اندیشی و «مطنه گرائی» نیست، بلکه مسئله بر سر مشی اصولی است که حزب طبقه کارگر غیر از آن حق ندارد عمل کند!

ما در همین جا باید بگوئیم که حزب توده ایران، نه خواستار پیدایش این دوگانگی وجدائی بوده و نه مسئول آن. حزب ما، در اسناد مصوب شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی و از نخستین روز اعلام نظریات خویش در روزنامه «مردم» همه نیروهای شرکت کننده در انقلاب، از هواداران امام خمینی (که اینک در حزب جمهوری اسلامی متشکل شده اند) گرفته تا «جبهه ملی» و سازمان مجاهدین خلق ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، و دیگر نیروها را، فراخواند تا در «جبهه متحد خلق» متحد گردند و برنامه کار انقلاب را، بر اساس توافق برابر حقوق، مشترکاً تهیه کنند.

ولی نخستین نیرویی که نه فقط به این دعوت مکرر حزب، پاسخی نداده، بلکه آشکارا به آن پشت کرده و با سایر نیروهای انقلابی، و قبل از همه و پیش از همه با امام خمینی و حزب توده ایران، سرستیز در پیش گرفته، بورژوازی لیبرال است. چرا؟ زیرا بورژوازی لیبرال تصور میکند که با برخورداری مستقیم و غیر مستقیم از پشتیبانی جهان سرمایه داری، خواهد توانست انقلاب را در مسیر دلخواه خود بپیچاند، لذا باید در راه تضعیف رهبری امام خمینی و نیروهای پشتیبان آن، از جمله و بویژه حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، منفرد کردن آنان و تأمین سرکردگی خود در انقلاب وارد میدان شود. شایان توجه است که بورژوازی لیبرال این تلاش را در زیر نام مورد احترام شادروان دکتر محمد مصدق انجام میدهد و میکوشد نام «مصدق» را وسیله تضعیف و بی اعتبار کردن نام «خمینی» قرار دهد. و حال آنکه در نزد مهن پرستان واقعی، عمل امام خمینی تکمیل عمل دکتر مصدق است نه خلاف آن، و مقابل دادن این دو شخصیت مهن پرست، کاری است بیش از مضر. امام خمینی آرزوهای را برآورده کرده است که دکتر مصدق، بملل گوناگون عینی و ذهنی و تاریخی، قادر به انجام آنها نشده. لذا ما هر گونه قسار دادن «مصدق» در مقابل «خمینی» را عمل خلاف نیت و اندیشه های خود دکتر مصدق میشوم.

از نیروهای خرابکار و تفرقه افکنی که با ماسک «چپ» و «انقلابی» و «مارکسیستی» که در این سیاست نادرست و زیان بخش همگام بورژوازی لیبرال شده اند که بگذریم، شایان توجه و مایه تأسف است که برخی گروههای «صادق چپ» نیز، با انگیزه های مختلف ذهنی و فحالی علیرغم میل و تصور خود، در همین راه گام برمیدارند و برای ضد انقلاب امید و عرصه عمل ایجاد کرده اند. اگر آنها این واقعیت را نمی بینند، سیر حوادث، دیر یا زود، این مطلب را به آنها روشن تر نشان خواهد داد.

حزب ما همچنان با قاطعیت و پیگیری در راه اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی، همه نیروهای مهن پرست

بقیه از شماره پیش

گفتگویی با چریکهای فدائی خلق ایران درباره مسائل انقلاب ایران

گفتیم که گروهک‌های مائوئیستی به این پرسش که اگر دهقان و خرده بورژوازی شهری رهبری طبقه کارگر را نپذیرفتند... تا وقتی نپذیرفتند... چه باید کرد، پاسخ روشنی نمیدهند و در عمل سیاست اتحاد با بورژوازی لیبرال را علیه وحدت کارگران و دهقانان و خرده بورژوازی دنبال میکنند.

دولت پیوند بورژوازی لیبرال با قشرهای کمتر شناخته شده و کمتر منفور بورژوازی وابسته... است.

ولایت حاکمیت سیاسی «کمیتة امام» قدرت و حاکمیتی انقلابی و توده‌ای بود...

دولت خرده بورژوازی بود، دولت خلقی... بود. منطقاً باید مدعیان رهبری طبقه کارگر در گزینش یکی از این دو تردید نکنند. پرولتاریا منطقاً از «حاکمیت توده‌ها» و لاقال از دولت خرده بورژوازی حمایت میکند. اما نویسندگان «مبارزات...» درست در سبزه نگاه دچار تردید میشوند و به این نتیجه میرسند که اصول این حاکمیت دوگانه از میان رفته، دولت خرده بورژوازی تسلیم شده و خود را در خدمت بورژوازی گذاشته است. حاکمیتی که در توده‌ها نفوذ دارد، حاکمیتی «ناگسخته» از آنجا که «اقتدار متوسط و متوسط پایین خرده بورژوازی از سیطره نیرومندی برخوردار بودند»... از مبارزه علیه امپریالیسم به مبارزه علیه طبقه کارگر برگشته است.

این دولت خلقی که ارگان حاکمیت خلق بود... بدلیل حاکمیت خرده بورژوازی بر آن... نفوذ وسیع محافظه کاران بر آن ممکن شد. نفوذی که سمت حرکت آنرا از مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم به مبارزه علیه طبقه کارگر و کمونیست‌ها منحرف کرده و میکند.

حاکمیت دوگانه دیگر عملاً برآمده ویا آخرین نفسهای خود را میکشد. بورژوازی پیروز شده است. «تاریخ فردای پیروزی قیام مسلحانه خلق می‌رود تا شکست خلق و پیروزی بورژوازی را بر سینه تاریخ ثبت کند.»

پس چه باید کرد؟ آقایان «مارکسیست-لنینیست» پاسخی نمیدهند و وظیفه خود را فقط با همین جمله، یعنی با اعلام شکست انقلاب، پایان یافته میدانند، ولی تمام کوشش خود را در طول نوشته بکار برده‌اند تا خشم خواننده را بطور عمده علیه خرده بورژوازی برانگیزند.

گروهک دیگر مائوئیست که کمی دیرتر (اردیبهشت ماه) اظهار نظر کرده، موضع صریحتری دارد. این گروهک با نام «دهن پرکن» در زندگان... یا در جای‌های لنین گذاشته و «درسهای قیام» را جمع بندی کرده است. از جمله در مورد رهبری «به علت رهبری خرده بورژوازی و در چنگ گرفتن قدرت متوسط بورژوازی ملی، انقلاب اجتماعی در نیمه راه خود متوقف خواهد ماند.»

فرجام قیام بنظر ایشان «مشتمل محکمی است» بر دهان همه کسانی که انقلاب را بدون رهبری طبقه کارگر ممکن میدانند، و نتیجه میکشد. «نمی‌توان در طول مبارزه بدنبال خرده بورژوازی افتاد و به هنگام مشاهده ناپیکیری ذاتی خرده بورژوازی فریاد زد: مبارزه ضد امپریالیست را به پایان رسانید. باید به مبارزه ادامه داد و...»

پس چه باید کرد؟ بنظر آقایان «مارکسیست-لنینیست» باید در جریان مبارزه توده‌ها را به انجام مبارزات سیاسی ترغیب نمود، باید حزب و سازمانهای توده‌ای را توسعه بخشید و «سپس (۱) در زمان معینی، به محض آنکه شرایط اجازه دادند، اقدام به تشکیل نیروهای مسلح انقلابی خلق و برپا کردن مبارزه مسلحانه نمود.»

بقیه از صفحه ۱

لایحه مطبوعات...

روش سیاسی، بیان شود. همین امر در ماده ۱۱۵ به این شکل بازم تصریح شده است، «اصول فکری و اعتقادی و روش نشریه باید در بالای صفحه اول کلیشه شود.»

معنای این دو ماده در واقع تفتیش عقاید در روشن‌ترین شکل آنست، بویژه آنکه در دنباله ماده ۱۱ آمده است: «چاپخانه‌ها نیز مکلف به رعایت مفاد این ماده می‌باشند که در واقع چاپخانه‌ها مسئول اعمال سانسور شده‌اند.»

در این ماده و تبصره آن اعلام شده که مدیرمسئول، علاوه بر داشتن شرایط مندرج در ماده ۲ حداقل باید دارای صلاحیت علمی و حرفه‌ای باشد. سردبیر نشریه هم باید واجد همین شرایط باشد. صرف نظر از اینکه این شرط باز هم قابل تفسیر است، مرجع تشخیص این صلاحیت بازم وزارت ارشاد ملئی شناخته شده با این تاکید: «وزارت ارشاد ملئی مکلف است... تقاضا را قبول یا رد کند». باین ترتیب این وزارت خانه قادر خواهد بود بر احوالی اقتصاد دولت را بر مطبوعات حاکم کند.

تبصره اول ماده ۱۰ بازم به وزارت ارشاد ملئی اختیار داده که امتیاز نشریاتی را که در حال حاضر چاپ می‌شوند، بعد از ۳ ماه از تاریخ تصویب لایحه بررسی کند. نشریات در حال چاپ تنها در صورتی امتیاز فمیلی‌شان معتبر خواهد بود که با رعایت مقررات این قانون به تجدید امتیاز مبادرت کنند.

با استفاده از این ماده، وزارت ارشاد ملئی خواهد توانست، با تجدید نکردن امتیاز، مانع انتشار هر یک از مطبوعات کنونی شود؛ که اکثریت آنها بعد از پیروزی انقلاب منتشر شده‌اند.

در این ماده اعلام شده که اگر ظرف ششماه پس از صدور امتیاز نشریه منتشر نشود، موضوع امتیاز ملغی است و همچنین عدم انتشار منظم نشریه بدون عذر موجه نیز موجب لغو امتیاز خواهد شد. این ماده نیز دست وزارت ارشاد ملئی را برای لغو امتیاز نشریه‌ها باز گذاشته است.

علاوه بر این در موارد متعدد دیگری هم در لایحه برای لغو امتیاز یا توقیف نشریه امکاناتی در نظر گرفته شده است، از جمله در ماده های ۸، ۹، ۱۴، ۲۴، ۲۱، ۲۰، ۱۹.

در این ماده آمده: «ذیل هر مقاله یا مطلب بایستی نام واقعی نویسنده درج شود.» این در واقع ادامه همان تفتیش عقایدی است که در مواد ۲ و ۱۱ و بویژه ماده ۵ اعمال شده و در آن خواسته شده که سردبیر هر نشریه‌ای به وزارت ارشاد ملئی معرفی شود.

در ادامه همین ماده که در مورد مندرجات نشریه که از آن بتوان ارتکاب عمل نام برده شده و مثل بسیاری دیگر از مواد، چند پهلوی هم و قابل تفسیر است، همه دست اندرکاران نشریه از مدیر تا عکاس و مسئولان و متصدیان دیگر» مسئول شناخته شده‌اند.

ماده ۱۷ در این ماده آمده است: «هر کس مقاله‌ای موهن به احکام و مواضع و اساس دین اسلام و مضربه انقلاب اسلامی ایران انتشار دهد به یک سال تا سه سال حبس جنحه‌ای محکوم میشود.» این ماده، علاوه بر آنکه راه انتقاد را زیر برده «موهن و مضربه انقلاب اسلامی» کاملاً بر مطبوعات بسته و ۳ سال هم حبس برای آن در نظر گرفته است، مثل اغلب مواد لایحه کاملاً قابل تفسیر و تعبیر است، یعنی هر مقاله و خبری را میتوان بمیل خود موهن به دین اسلام و مضربه انقلاب اسلامی تلقی کرد.

ماده ۱۸ این ماده می‌گوید: «هر گاه در مطبوعات مطالب توهین آمیز یا افترا و یا خلاف واقع و حقیقت، خواه به نحو انشاء و یا بطور نقل نسبت به شخص اول روحانیت و مراجع مسلم تقلید درج شود...» اینجا نیز کلمات «توهین آمیز»، «افترا» و «خلاف واقع» کاملاً قابل تفسیر است و حتی راه را بر چاپ اخبار نمی‌بندد. باید پرسید کدام ضابطه روشن می‌کند «واقع» چیست و «غیر واقع» کدام است؟

ماده ۲۲ اصل ماده اینست: «هر کس بوسیله مطبوعات هیئت وزراء یا نمایندگان مردم یا هیئت قضات را مورد افترا قرار دهد، بدون شکایت شاکی خصوصی، تعقیب و مرتکب به حبس جنحه‌ای از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد.» این ماده بصراحت تمام راه هر گونه انتقاد مطبوعات را بر مجلس و دولت و حتی قضات می‌بندد.

ماده ۲۳ در این ماده چنین گفته شده: «هر کس بوسیله مطبوعات به اقلیت‌های مذهبی مصرح در قانون اساسی یا آزادی ساکن ایران برای تولید نفاق و اختلاف و یا بغض و کینه میان سکنه مملکت اهانت نماید...» از آنجا که این لایحه باید بعد از ۱۰ روز تصویب و اجرا شود، در لایحه روشن نشده منظور از قانون اساسی کدام قانون اساسی است؟ آن قانون اساسی که اکنون به یمن انقلاب و تغییر رژیم بی اعتبار شده یا قانون اساسی آینده که هنوز منتشر نشده است.

بعلاوه تولید نفاق و اختلاف... میان سکنه مملکت هم قابل تفسیر است. ماده ۲۸ در این ماده انتخاب هیئت منصفه، که باید طبق ماده ۲۷ به جرائم ارتكابی بوسیله مطبوعات رسیدگی کند، به عهده هیئتی مرکب از فرماندار و رئیس دادگستری و رئیس انجمن شهر و نماینده وزارت ارشاد ملئی گذاشته شده تا این هیئت از افراد مورد اعتماد عمومی ۱۱ نفر را انتخاب کند.

این ماده انتخاب هیئت منصفه را هم کاملاً بدولت می‌سپارد. ماده ۳۶ این ماده اعلام می‌کند که هیئت منصفه فقط می‌تواند درباره دو مطلب ذیل نظر بدهد، الف: آیا متهم بزه‌کار است؟ ب: در صورت تقصیر آیا مستحق تخفیف میباشد یا خیر؟ به درستی، در این ماده اختیارات هیئت منصفه هم محدود میشود.

ماده ۳۸ در این ماده گفته شده که نشریاتی که بر طبق این لایحه توقیف میشوند،

- ۱- جزوه «مبارزات...» ص ۳۰-۳۱
- ۲- همان جزوه، صفحات ۲۸ تا ۳۲
- ۳- همان جزوه ص ۲۹
- ۴- همان جزوه صفحه ۳۶
- ۵- جزوه «چرا...» (ملاحظه میفرمائید خرده بورژوازی قیام را رهبری کرده و بورژوازی ملی (که اصلاً وجود نداشت) به قدرت رسیده و... واقماً که چقدر این «مارکسیست-لنینیست»‌ها با سوادند!
- ۶- همانجا
- ۷- همان اثر، ص ۳۰

نی‌توانند به اسامی دیگر و با همان سبک و روش منتشر شوند و در صورت انتشار توقیف خواهند شد. این ماده نیز، انتشار جرایم را محدود و موکول به دریافت امتیاز مجدد برای نشریه توقیف شده و مجبور به تنهیر سبک و روش می‌کند.

لایحه جدید روح انقلاب را منعکس نمیکند

چنانکه در نکات بالا ذکر شد، اغلب مواد لایحه جدید به آنچه مطبوعات نباید بنویسند اختصاص داده شده و در مورد آنچه مطبوعات حق نوشتن آنرا دارند، سکوت شده است.

در یک نگاه کلی درباره این لایحه باید گفت: لایحه جدید مطبوعات نه تنها انعکاس کننده روح انقلاب و نیازهای زمان ما نیست، بلکه مواد آن چنان تدوین شده که در شان جامعه انقلابی ایرانی هم نمی‌تواند باشد.

در این لایحه، مطبوعات در بست به وزارت ارشاد ملئی سپرده شده و این وزارت خانه، بویژه شخص وزیر، علاوه بر آنکه اختیارات دارد برای انتشار مطبوعات جدید امتیاز بدهد یا ندهد، امتیاز نشریات در حال چاپ را لغو کند یا نکند، قاعدتاً، با استفاده از مواد لایحه، هر وقت ضرورت ایجاد کرد، نشریات را توقیف و تعطیل کند. علاوه بر اینها، مواد لایحه چنان تنظیم شده که راه کسب و انتشار آزادانه اخبار را در اغلب موارد مسدود کرده است. ماد شماره آینده «مردم» نظر خود را درباره آن قوانین معرفی که مطبوعات آزاد باید بر بنیاد آنها منتشر شود، اعلام خواهیم کرد.

رفقا و دوستان گرامی توجه فرمائید

دفتر «مردم» و سایر ارگانهای تبلیغاتی و انتشاراتی و تشکیلاتی حزب توده ایران نیاز جدی و فوری به دوره روزنامه‌ها و مجلات و نشریات حزب در زمان علنی بودن حزب، قبل از سال ۲۷، و همچنین در دوران قبل از کودتای ۲۸ مرداد و در سالهای پس از کودتا دارند. بسیاری رفقا و دوستانی که یادوره کابل و یا شماره‌های مختلف این روزنامه‌ها و مجلات و نشریات را هنوز در اختیار دارند، مایمیدانیم که برای هر رفیق و دوستی، این یادگارهای دورانهای مبارزاتی پیشین بسیار گرانبهاست و چه بسا که بقیه‌های سنگین این نسخ تا کنون حفظ شده است. ولی با وجود تمام علاقه‌های هر رفیق به حفظ این جراید در کتابخانه شخصی خود دارد، باید تصدیق کنید که در حال حاضر ارگانهای مرکزی حزب، بویژه برای روشن کردن برخی مسائل گذشته و آگاهی به جزئیات راه و روشی که در هر مورد مشخص در پیش گرفته شده، یا برای آگاهی به رویدادهای گوناگون و موضوعات سیاسی و شخصیتها و گروههای سیاسی مختلف و همچنین دستیابی بنوشته‌های رفقای شهید، باین جراید و نشریات نیاز واقماً حیاتی و بی‌چالشین دارند.

اینست که بهمه شما رفقا و دوستان گرامی حزب روی می‌آوریم و تقاضا میکنیم که برای کامل کردن و غنی کردن پایگانی حزب، هر چه از این نشریات دارید، در اختیار ما بگذارید. البته اگر مایلید که حتماً نسخه اصلی را نزد خود نگاه دارید، ما با تحمل هزینه سنگینی که زیراکس کردن همه این مطالب دارد، ناچاریم لاقال این درخواست را مطرح کنیم که برای مدت کوتاهی، تا فتوکپی کردن، صفحات این دوره‌ها یا نسخ جداگانه را در اختیار ما بگذارید.

بقیه از صفحه ۱

دست سییا ...

تروریست برای اعزام به ایران است. وظیفه این گروههای تروریستی که زیر نظر «سیا» و «موساد» عمل میکنند عبارتست از ترور شخصیتهای مترقی، ایجاد محیط ترس و رعب، ایجاد ناامنی، پخش دروغ و شایعه، تشویق و تحریک به عدم اطاعت و غیره و غیره. شاه، که خود مأمور منصوب «سیا» بود، مبلغ ۶ میلیون دلار از پولهای دزدی را برای انجام این اقدامات تخریبی تخصیص داده است.

اگر می بینیم هر شب صدای تیراندازی در کوچه ها و خیابانهای سراسر کشور شنیده میشود، اگر هر شب عده ای از پاسداران، این جوانان رشید و پرشور و فداکار، جان خود را برای دفاع از انقلاب از دست میدهند، اگر پدر تردید و عدم رضایت میان مردم افشانه میشود، اگر بازار شایعه سازی و دروغ پراکنی گرم است، اگر ترور شخصیت های وطن پرست ادامه دارد، همه و همه آثار فعالیت تبهکارانه عمل «سیا» است.

با آنکه در دوران سلطنت شاه مخلوع، خیل جاسوسان آمریکائی برای حراست از تاج و تخت «شاهنشاه» و حفظ منافع نامشروع امپریالیسم آمریکا در ایران سرگرم فعالیت بودند، ولی در هفته های قبل از انقلاب، «سیا» ۴۰۰ نفر از معتدترین و کهنه کارترین عمال خود را بایران فرستاد تا از دولت نظامی از هاری حمایت کنند و آنها در سرکوب مردم ارشاد و هدایت نمایند. اما عزم مردم مبارز و رهبری انقلاب در سرنگونی رژیم دست نشانده آمریکا، جز مژ از آن بود که این جاسوسان سیاهکار بتوانند بر آن چیره شوند.

از هاری رفت و بختیار آمد. ژنرال «هويزر» معاون فرمانده نیروهای آمریکائی مستقر در اروپا بایران فرستاده شد تا بعنوان مشاور «شاهنشاه» عمل کند و با ارشاد ارتش در تبعیت از بختیار، این مبره مورد اعتماد امپریالیسم آمریکا را بر سر حکومت نگاه دارد. این نقشه نیز ناکام شد. مردم بختیار را نیز بدنبال شاه رد کردند. پیروزی انقلاب ایران، در مستحکم امپریالیسم را در منطقه خلیج فارس در هم فروپاشید. اما آمریکا هنوز هم نمیخواهد باور کند که سیادت خود را بر ایران از دست داده است. بدینجهت با تقویت بهر دسیسه و مکر میخواهد انقلاب ما را به شکست بکشاند و اوضاع را بوضع خود بازگرداند. تحریکات عمال سیا در میان اقلیت های ملی، ایجاد خصومت میان آنان که حوادث سندسج و کتبد و نفعده و خرمشهر نمونه هایی از آنست، ترور سپهبد قره ن، آیت الله مطهری و سوء قصد به حجة الاسلام رفسنجانی که دست خونریز آمریکا در دستکش ضد انقلاب گلوله ها رارها نمود، نشان میدهد که امپریالیسم آمریکا دمی از توطئه و تحریک علیه انقلاب ایران باز نموده است.

در برابر دسیسه های امپریالیستی و عمال داخلی آنها باید کاملاً هشیار بود. جاسوسان آمریکائی، که وظیفه سازماندهی ضد انقلاب را بر عهده دارند، باید بدینرنگ از کشور اخراج شوند. دشمنان داخلی انقلاب میبایست فوراً سرکوب و به کیفر قانونی خویش برسند. نباید به جیبه قصد انقلاب فرصت عمل داد. باید با ایجاد «جیبه متحد خلق» نقشه دشمنان را نقش بر آب ساخت.

به پیش هر چه وسیعتر «مردم» کمک کنید کمک به توزیع و پخش هر چه وسیعتر روزنامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی و مترقی است. از کلیه دوستان، هواخواهان و داوطلبان که برای پیشبرد این هدف در هر نقطه از تهران یا هر یک از شهرها و روستاها، امکاناتی دارند، تقاضا داریم با دفتر مرکزی «مردم» تماس بگیرید.

رویدادهای جهان

سیاست توسعه طلبی اسرائیل

به گزارش خبرگزاری فرانسه، کورت والدنهایم دبیر کل سازمان ملل متحد تصمیم دولت اسرائیل را درباره تجویز احداث آبادیهای یهودی نشین در سرزمینهای اعراب مورد انتقاد قرار داد.

سختگویی والدنهایم اعلام کرده که دبیر کل سازمان ملل متحد از این تصمیم، که با قطعنامه های این سازمان مغایرت دارد و به جست و جوی راه حل کلی صلح آمیز مساعدتی نمی کند، متأسف است.

... واعمال فشار برای حمایت از اسرائیل متجاوز

جمعی کاتر در گفت و گویی با ژان فرانسوا پونس، دبیر خارجه فرانسه اعلام کردند که عدم حمایت فرانسه از پیمان صلح سادات و بگین رادیکالها را در خاورمیانه تقویت خواهد کرد.

کاتر در این مورد، سخت از فرانسه گله کرد و گفت: «امریکا از اینکه فرانسه پیمان صلح سادات و بگین را تأیید نکرده نوبه شده است».

... و چین شریک توطئه ضد عربی رژیم سادات

دربی اعلام انتقاد قرارداد معامله اسلحه با چین، از طرف سادات، خبرگزاری تاس اعلام کرد که چین به نیروهای پیوسته است که از نقش ضد عربی رژیم مصر پشتیبانی می کنند.

خبرگزاری شوروی همچنین در گزارش خود از قاهره اعلام کرد، «چین که در گذشته از مبارزه خلق های عرب علیه سیاست توسعه طلبانه اسرائیل پشتیبانی می کرد، در حقیقت به نیروهای ملحق شده است که از نقش ضد عربی رژیم مصر در خاورمیانه حمایت می کنند».

تاس تأکید ورزیده: «این سیاست، موضع سادات را که ایفاء نقش زاندارمی در خاورمیانه را پس از سقوط رژیم شاه در ایران، به آمریکا وعده داده است تأیید می کند».

روزنامه الشعب، که در بیت المقدس شرقی چاپ می شود، در سرمقاله خود نوشت که معامله جدید اسلحه میان چین و رژیم سادات، مطالبی را که قبلاً از طرف چینیه درباره تأیید سیاست مصر بیان شده است، مورد تأیید قرار می دهد. الشعب سپس با اشاره بدین مطلب که چین می کوشد تا موضع خود را نسبت به منافع فلسطینیها اصولی جلوه دهد، متذکر شد که این سیاست دو دوزه بازی چین، به سود خلق های عرب نیست.

افزایش حضور نظامی آمریکا و مستمسک تراشی برای آن

اتحاد شوروی اعلام کرده که موضوع تقویت حضور نظامی خود را در خلیج فارس و خاورمیانه مورد بررسی قرار داده است. روزنامه پراودا نوشت: «اتحاد شوروی از گزارشهای واصل از منابع آمریکا در این مورد که واشنگتن موضوع افزایش حضور نظامی خود را در خلیج فارس و نقاط دیگر مطمح نظر قرار داده است، ابراز نگرانی می کند». روزنامه واشنگتن پست اخیراً نوشت که: «زمانداران آمریکا در خلال چند روز آینده برای بحث درباره تقویت حضور نظامی این کشور در خلیج فارس و خاورمیانه اجلاسی سری تشکیل خواهند داد». پراودا تأکید ورزیده که اینگونه اقدامات می تواند به برج تر شدن اوضاع جهان انجامد و اگر کشورهای دیگری نیز مانند آمریکا، در سرزمینهایی دورتر از سرزمینهای خود، بالاخص در نواحی قابل انفجار، دست به تقویت نظامی زنند، احتمالاً از این میان یک درگیری جهانی پدید خواهد آمد.

اقیانوس هند از جمله مناطقی است که برای افزایش حضور نظامی آمریکا مورد توجه این کشور است.

خبرگزاری تاس اعلام کرده که پس از قطع مذاکرات مربوط به محدودیت فعالیت نظامی در اقیانوس هند (در فوریه ۱۹۷۸) اینک آمریکا دست اندرکار افزایش حضور نظامی خود در این ناحیه است. خبرگزاری تاس متذکر شد که آمریکا برای این اقدام بنابه روش دیرین خود مستمسک تراشی میکند و بهانه این بار هم افسانه «تهدید و خطر شوروی» است.

نقشه پنتاگن متضمن استفاده از نیروهای مسلح آمریکا برای تصرف حوزه های نفتی کشورهای عربی و ایجاد یک ستاد فرماندهی آمریکایی برای خاورمیانه است.

خبرنگار تاس همچنین اعلام کرده که ژنرال رالف لارنس که گفته میشود برای تبادل نظر درباره موضوع تجدید سازمان نیروهای عربستان سعودی، در ریاض اقامت داشت، نامزد فرماندهی ستاد فرماندهی امریکلر خاورمیانه است. کار حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه با توجه بر شایعات و نوشته بعضی از مطبوعات عربی جنبه ای جدی تر و خطرناکتر پیدا کرده است، بطوریکه سفیر آمریکا ناگزیر از تکذیب و تفسیر شده است.

سفیر آمریکا در کویت در مصاحبه ای با نشریه کویتی السیامه نخست این شایعه را که آمریکا قصد مداخله نظامی در خلیج فارس دارد «جملیات ژورنالیستی» توصیف و تکذیب کرد و سپس به بیان تفسیر گونه این مطلب پرداخت که «این شایعات از فکرائی ایالات متحده و کشورهای عربی درباره ثبات ناحیه خلیج فارس ناشی می شود».

از کمتهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم	حسین احمدی	۲۱۰۰
۴۰۰ ریال	ا. زهادی	۶۳۶۵
۳۰۰	ا. زهادی	۳۲۰۰
۳۰۰	ح.ش. ازهرآز	۱۵۰۰۰
۳۰۰	ع.ا. ازمشهد	۱۰۵۰۰
۲۰۰	ع.ع.	۱۰۰۰۰
۲۰۰ حسن	فریرز	۵۰۰۰
از بابل	گلاره	۸۰۰۰
۱۰۰۰ ریال	صالح شهید از بابل	۸۰۰۰۰
۱۰۰۰	رضا، کلاس سوم	۲۲۰۰
۵۰۰۰	شماره ۸۰۰ یک حلقه انگشتری با نگین سبز و این یادداشت،	
۵۰۰	د چون نمی توانم کمک مالی بکنم به حزب، فقط میگویم خسته نباشین رفقا یکی از بچه های میدون شوش،	
۴۰۰۰ مارک غربی	برلن غربی	
۱۰۵۰ ریال	مسعود کهنائی	۲۰۰۰ ریال
۱۰۵۰	حسین احمدی	۲۰۰۰

بقیه از صفحه ۱

بانکهای خصوصی ...

به علاوه، سرمایه های بانک های خصوصی، چنانکه سیاست رژیم ضد ملی بود، از همان آغاز با سرمایه های مالی بزرگترین کشورهای امپریالیستی (امریکا، انگلیس، آلمان فدرال، فرانسه، ژاپن، ایتالیا، هلند و غیره) در آمیختند و سیستم بانکی را که شریان اقتصادی کشور است، وابسته تاراجگران خارجی نمودند.

بانک های خصوصی یکی از مجاری عمده فرار سرمایه از کشور بودند. تمام سرمایه داران بزرگ، چه آنها که از کشور گریختند (در راس آنان شاه مخلوع و خاندانش) و چه آنها که موقف به فرار نشدند، مبالغ هنگفتی از ثروت های غارتی خود را از طریق بانک های خصوصی به خارج منتقل کردند.

باین ترتیب بانک های خصوصی چهار نقش عمده و مخرب در کشور داشتند: ۱- کمک به تمرکز و تراکم سرمایه (تکاتر سرمایه) در دست عده معدودی غارتگر؛

۲- جلب سرمایه های انحصاری خارجی و در آمیختن آن با سرمایه های داخلی و وابسته کردن بیشتر اقتصاد ایران به اقتصاد کشورهای امپریالیستی؛

۳- غارت هر چه بیشتر توده مردم و بخصوص زحمتکشان؛

۴- فرار دادن سرمایه ها از کشور.

پس از انقلاب، نقش مخرب بانک های خصوصی با زهم عیان تر گردید. دولت موقت بجای اینکه از همان آغاز با ملی کردن این بانک ها چنگال های سرطانی آنها را از اقتصاد کشور قطع کند، ابتدا درصد برآمد با کمک و تسهیلاتی که بوسیله بانک مرکزی به آنها واگذار میشد، این بانک ها را برای احیاء و سالم سازی اقتصاد درهم ریخته کشور جلب کند. ولی این بانک ها، چنانکه در سرشت آنها است، به خرابکاری خود ادامه دادند. در نتیجه اقدامات خرابکارانه این بانک ها، بگفته مقامات مسئول، «پول در جریان عادی خود در بازار قرار نگرفت». باینکه این بانک ها مبالغ هنگفتی به دولت بدهکار بودند «مقادیر زیادی سرمایه از کشور خارج کردند». و بالاخره بنا بگفته آقای علی اکبر معین فر، سرپرست سازمان برنامه و بودجه کشور «برای راه انداختن چرخ های کشور به هر طرف که دست میزنیم واز هر کجا شروع میکنیم، می بینیم که یک سر آن به بانک ها ختم میشود». متأسفانه فقط در چنین شرایطی، یعنی پس از آزمون آزمونها، کار حیاتی ملی کردن بانک ها انجام گرفت.

باینکه اکنون بانک ها ملی شده اند، هنوز معلوم نیست که آیا دولت میخواهد غرامتی به صاحبان غارتگر و فراری آنها بپردازد، یا نه. با شرحی که از چگونگی فعالیت این موسسات غارتگر رفت، پرداختن غرامت به این مشتی دزد و خائن هرگز به صلاح اقتصاد کشور نخواهد بود. ملی کردن بانک های خصوصی، همانطور که گفتیم، فقط نخستین گام در راه احیاء اقتصاد و تأمین پیشرفت آن است. ولی ملی کردن بانک های خصوصی، بدون درپیش گرفتن یک سیاست سنجیده اقتصادی و مالی در جهت تأمین منافع ملی، نمیتواند نتیجه کاملاً مطلوبی بیاورد. ملی کردن بانک ها بهشابه نخستین گام باید با ملی کردن تمام سرمایه های بزرگ، بخصوص سرمایه های بزرگ و وابسته، کوتاه کردن قطعی دست انحصارها از تمام رشته های تولیدی، تنظیم برنامه های کوتاه مدت و درازمدت اقتصادی، برنامه هائی که هدف آنها تأمین پیشرفت همه جانبه و هماهنگ و مستقل اقتصاد ملی بسود زحمتکشان باشد، همراه گردد.

حزب توده ایران، که ملی کردن بانک های خصوصی را همیشه جزئی از اقدامات وسیعی دانسته که هر دولت انقلابی باید انجام دهد، ضمن پشتیبانی از این اقدام، دولت را به اتخاذ تدابیر وسیعتری در این جهت فرامیخواند. برانداختن قطعی و نهائی تمام پایه های اقتصادی امپریالیسم و سرمایه داران وابسته آن، از مبرم ترین وظایف یک دولت انقلابی است.

سفیر امریکا گفته خود را چنین تصریح کرده: «آمریکا بی آنکه بخواهد در امور خلیج دخالت کند، تصمیم گرفته است که بیاری کشورهای این ناحیه به شتابد تا آنها بتوانند وسائل دفاعی خود را افزایش دهند».

چین دست اندرکار ندارد جنگ با ویتنام

دولت ویتنام اعلام کرد که دولت چین دست اندرکار تدارک جنگی جدید با آن کشور است و به همین علت در هرگز مشترک دو کشور به شناسایی پایگاههای دفاعی ویتنام پرداخته است.

خبرگزاری ویتنام گزارش داد که نیروهای نظامی و جاسوسان چین در هفته گذشته نوزده بار به خاک ویتنام تجاوز کردند و عده ای از غیر نظامیان ویتنامی را زخمی کردند.

بگزارش خبرگزاری ویتنام، کشتیهای چینی در مدت هشت روز سه بار به سواحل ویتنام تجاوز کرده اند.

کوشش اتحاد شوروی در راه رفع تشنج و ایجاد تفاهم

بگزارش خبرگزاری تاس، اتحاد جماهیر شوروی به جمهوری خلق چین پیشنهاد کرده که در ماههای ژوئن و اوت برای عادی ساختن مناسبات دو کشور گفت و گوهایی در مسکو انجام گیرد. اندر گسرومیکو، وزیر امور خارجه اتحاد شوروی این پیشنهاد را در یادداشتی که به کاردار موقت سفارت چین تسلیم کرد، گنجانده است.

گرومیکو در این یادداشت تصریح کرده است که هدفها و وظایف این گفت و گوها باید عادی کردن و بهبود روابط دو کشور بر اساس اصل همزیستی مساومت آمیز، احترام متقابل برای حق حاکمیت و تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور یکدیگر و عدم توسل به زور باشد.

وزیر امور خارجه شوروی همچنین تأکید ورزیده است که دولتین اتحاد شوروی و چین باید موافقت کنند که ادعای هیچ دولتی را در مورد حقوق ویژه یا برتری در امور جهانی برسمیت نشناسند.

درود بر جبهه خلق برای آزادی عمان

نوزدهم خرداد (مطابق با ۹ ژوئن) سالروز تولد جبهه خلق برای آزادی عمان است که امسال شانزدهمین سالگشت حیات غرور انگیز و رزم پرافتخار آنست. جبهه خلق برای آزادی عمان سازمانی است خلقی که ازدرون خلق مستعدیده و غسارت شده عمان برخاسته، متکی به خلق است و در راه هدفهای خلق رهنمائی کشور از جنگ سلطه مستمکرانه امپریالیسم و ارتجاع داخلی وابسته بدان، عمل میکند. دشمن اصلی این جبهه در درجه اول امپریالیسم، پس کردگی امپریالیسم آمریکا و دستیار انگلیسی آن و نیز عمال آنها از قبیل سلطان قابوس، انور سادات (بجای شاه مخلوع) و دیگرانی از این قماشند که عاقبت سرنوشتی بهتر از محمد رضا نخواهند داشت.

یکی از علل سقوط رژیم شاه چنانیکار در ایران نقش بوده که بعنوان «زاندانم منطقه ای امپریالیسم» بر عهده گرفت، و در اعزام ارتش برای سرکوب خلق رزمنده عمان در ظفار عملی گردید. ایفاء این نقش کثیف باعث آن شد که نظام امپریکری، یعنی سیاست تجاوزی در منطقه، اساس سیاست رژیم گردد و در راه اجرای آن درآمد کشور از نفت برای خرید اسلحه و تقویت نیروی تهاجمی به انحصارات اسلحه سازی تحویل شود، یعنی ثروت هستی ما بطور عمده بین انحصارهای نفتی و انحصارهای اسلحه سازی تقسیم شده و در نتیجه چرخ اقتصاد کشور از گردش موزون بازماند، بسایم هوای ناشی از آن در تمام مرزهای زندگی که بر شمرده نش «هفتاد و نهم» می شود و عاقبتش به بحران حکومت شاه مخلوع انجامید.

مداخله نظامی رژیم شاه مخلوع در عمان مدت کوتاهی پس از تدوین دکترین گوام نیکسون و تقریباً بلافاصله پس از خروج نیروهای انگلیسی از کشورهای جنوب خلیج فارس آغاز شد. سر بازان ایرانی به عمان گسیل شدند تا زیر فرماندهی ژنرال وستاد عملیاتی انگلستان، همچون قشون مستعمراتی و برای حفظ «ثبات» سلطه امپریالیسم در عمان قربانی شوند. شاه مخلوع در پانزدهم ۱۳۵۱ مداخله در امور داخلی عمان را ابتدا با اسلحه آغاز کرد و سپس دیری نگذشت که حدود ۶۰۰ سرباز به منطقه ظفار اعزام داشت. این نخستین گام باصطلاح «محرمانه و سری» در با تلافی گذارده شد. تا دیماه

تبهکاران امپریالیست

دستهای آلوده خود را بالجن حاشامیشویند

آن تا آخرین لحظه ممکن در پشت سر شاه مخلوع قرار داشت. این نیروهای جنیمی و جهانخواور، که بعلت وجود شرایط خاص دوران مانمی توانستند مستقیماً پدخالتهای علنی پیراوند و در برابر سبیل خروشان انقلاب بایستند و آنرا از پیشرفت بازدارند، پس از پیروزی مرحله اول انقلاب، در صدد برآمدند با تحریک و توطئه و تولید مشکلات و ایجاد اختلاف بین خلقتها و پیروان مسلکهای مختلف، انقلاب را از مسیر خود منحرف کنند، آنرا به اتوانی پکشانند و سر فرصت ضربتی را که میخواهند فرود آورند. در پشت سر شریک از حوادث خونینی که طی این مدت کوتاه بر مردم مین مانگشته، از جریان ناگوار گنبد تا کشتار فقه و آرمیهای گردستان، تا حوادث غم انگیزی که اینک در خوزستان میگذرد، شهادت چنانیکار آلوده در خون امپریالیستها و درجه اول امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و صهیونیستها را در همکاری با شاه مخلوع و عمال او پنهان میکنند.

اینها واقیعات انکار ناپذیری است از دخالت بیشرمانه و خطرناک امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی در امور داخلی ایران. «تکذیب» یکی، «سکوت» دیگری و انکار همگی نمیتواند تغییری در این واقیعت بدهد.

مردم ایران هم این واقیعت را می بینند، دخالت امپریالیسم، پس کردگی امپریالیسم امریکا، رادر امور داخلی ایران محکوم میکنند و میکوشند تا با مبارزه متحد خود این دخالت را عقیم گذارند.

دیگر کسی رانمیتوان یافت که کم یابیش نداند که از طرف امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی این مدافعان تندروین «حقوق بشر» بر کشور ما چه گذشت. کسی نیست که نداند که این توطئه تبهکارانه سیا و این تبلیغ جنس سرورس بود که یک مرد رادرمذتی بیش از یک ربع قرن بر کشور ما فرمانروا کرد و رژیم را بی افکند، که اساس آن راحیانت، جنایت، غارتگری، بی بندوبار، فساد پروری بی شرمانه و ترور و اختناق تشکیل میداد. کسی نیست که نداند که از برکت این رژیم ضد بشری، روزی که محمدرضا از ایران رفت، حدود ۲۳ میلیارد دلار از ثروت تاریخ سیده را خود بیانکهای امپریالیستی و خاصه پانکهای امریکا منتقل کرد، و در عین حال بعد از ریختن و پاشهای فراوان، بیش از ۶۰ میلیارد دلار در مجموع بابت بهای اسلحه و حقوق کارشناس بیجیب تاراجگران امریکائی و انگلیسی ریخته بود. کسی نیست که نداند که این تاراج ایلغارگرانه مردم ماهراه بود با دهها هزار کشته، که چه در یورشهای دسته جمعی دژخیمان رژیم شهبید شدند، چه گروه گروه در کتله زندانها یادرزیر شکنجه ازین رفتند، و یاد دست جوخه های اعدام سپرده شدند.

آری، محمد رضای خائن و چنانیکار دهها هزار تن از بهترین فرزندان مین ما را نابود کرد تا پستی بتواند دست غارتگران امریکائی و انگلیسی و سایر امپریالیستها را در تاراج بی حساب و کتاب ثروت های ملی ما باز بگذارد. و دست امپریالیسم امریکا و دستگاه سیای آن، امپریالیسم انگلستان و اینتلیجنس سرورس آن، دست صهیونیسم با موساد

مصاحبه دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، رفیق کیانوری، با روزنامه کویتی «الابناء» که ضمن آن دخالتهای حادثه آفرین ایالات متحده آمریکا و همچنین انگلستان در امور داخلی ایران افشاء شده است، در محافل مربوط و آکنشهایی تولید کرده، که پایه آن راهمان مثل معروف، دیوار حاشا بلند است، تشکیل میدهد. مثلاً سخنگوی سفارت بریتانیا در تهران، از قول دولت متبوع خود، دخالت انگلستان را در حوادث ایران تکذیب کرده است! در حالی که سفارت امریکا، ظاهراً بعلت غیبت عضو مسئول خود، در این زمینه سکوت کرده است!

این بار اول نیست که تبهکاران امپریالیست از دیوار بلند حاشا بالا میروند و سکوت سفارت امریکا هم، بهر علت که باشد، هیچ چیز تغییر نمیدهد. تاهمان اواخر انقلاب و تاهنگامی که هنوز ته مانده امید به متوقف ساختن انقلاب نبود، نمره های آقای کارتر جهان را بر آوازه کرده بود که: حمایت لژشاه برای امریکا یک امر حیاتی است. آقای اون، وزیر خارجه سابق انگلستان هم بهمین منوال داد سخن داده بود. پس از پیروزی انقلاب، این اشتباهها جای خود را به آگاهی و آماداد و محافل حاکمه امریکا و انگلستان ناگزیر شدند ظاهراً «به جمهوری اسلامی» که نمره درختان انقلاب بود، گردن نهند و ادا کنند که گویا دول امریکا و انگلستان آب توبه بر سر ریخته و دیگر در امور داخلی ایران دخالت ندارند!

اما این تحاشی، در حقیقت هیچ واقیعتی را تغییر نداد و نمیدهد. امروز در سر تا سر ایران

چه کسانی از تیرگی روابط ایران

با همسایگان سود میبرند

در حالیکه ضد انقلاب تمام نیروی خود را در داخل ایران بخدمت گرفته است تا از تحکیم دستاوردهای انقلاب و برقراری حکومت خلق در جمهوری اسلامی ایران جلوگیری کند و هر روز در گوشه ای از کشور ماجراهای خونی جدیدی بوجود می آورد. در خارج از مرزهای ایران و در برخی از کشورهای منطقه نیز دولت های گویش فرمان امپریالیسم امریکا ساکت ننشسته و دست در دست سرسپردگان رژیم سرنگون شده، برای انقلاب ایران توطئه تدارک می بینند.

تیسار مدتی، استاندار خوزستان، در جریان حوادث اخیر خوزستان، پرده از این تلاشهای خارج مرزی ایران برداشت و برای نخستین بار فاش ساخت که، برخی کشورهای خلیج فارس و منطقه خاورمیانه در حوادث خوزستان به نوعی دست دارند و عوامل رژیم گذشته در این کشورها به ضد انقلابیون داخل ایران یاری میرسانند. پخش برنامه های تحریک کننده از طریق رادیوها و کمک به قاچاق اسلحه و همچنین مانور جنگنده های دولت عراق بر فراز خاک ایران و حتی بمباران روستاهای غربی ایران در چند روز اخیر، خبری از طریق وسائل

ارتباط جمعی اطلاع مردم رسید. تلاشهایی که در بیرون از مرزهای ایران انجام میشود، ارتباط مستقیم با تلاشهای ضد انقلاب در درون مرزهای ایران دارد و این نشانه آنست که امپریالیسم برای یاری رساندن به ضد انقلابیون از هیچ تلاشی فروگذار نمیکند.

آنچه که پابرسر رویدادها و اخبار منتشر شده میتوان حدس زد اینست که، امپریالیسم سعی دارد با ایجاد ناامنی در مرزهای ایران و وجو ضد انقلاب ایران در برخی از کشورهای منطقه خاورمیانه و خلیج فارس؛ رژیم انقلابی جوان ایران را، علاوه بر مشکلاتی که در درون مرزها دارد، در بیرون از مرزهایش نیز گرفتار کند. تحریم اقتصادی، دروغ پراکنی، جنگ مرزی، تحریک به تجزیه طلبی و حتی تدارک دخالت مستقیم و نظامی - حداقل بصورت تهدید برای ارباب - از شیوه های کهنه امپریالیسم در برابر رژیم های انقلابی است. که بی شک از همه آنها برای جلوگیری از تحکیم دستاوردهای انقلاب ایران نیز استفاده میشود. البته برای اجرای این نقشه های شوم و ضد خلقی از تمام امکانات ضد انقلابی داخل کشورهای انقلابی نیز

توجه!

رفیق گرامی حسین پدرا دادوش رفیقی که پس از کودتای ۲۸ مرداد کمکهای با ارزشی به حزب کردید؛ با تغییراتی که پیدا شده ما نتوانستیم خانه شما را پیدا کنیم. اگر در تهران هستید، خواهش میکنیم مستقیماً به دفتر «مردم» مراجعه کنید و یا با تلفن نشانی خود را بدهید.

با درود فراوان «مردم»

رقا و دوستانی که در خارج از کشور زندگی میکنند، می توانند کمک مالی خود را به نشانی زیرین ارسال دارند، Sweden Stockholm Spar hanken Stockholm N: 0400 126 50 Dr. John Takman

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود. نشانی، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن، ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

باشد که برای گرفتن حق خود بپا خاسته اند. آنها که دشمن تراشی میکنند و روابط ایران را ناحق با همسایگان ایران تیره میکنند، عملاً آب به آسیاب ضد انقلاب میریزند، ضد انقلابی که از وجود آمدن ناامنی در مرزهای ایران و گشوده شدن جبهه های بیرون مرزی برای رژیم جوان و انقلابی ایران عمیقاً شاد میشود.

امپریالیسم جهانی، پس کردگی امپریالیسم امریکا، آرزوی چنین درگیریهای بیرون مرزی را برای ایران دارد و بیونیه خود از هیچ کوششی در این راه دریغ ندارد. کوشش خیرگزاریهایی مختلف، و در راس آنها خیرگزاریهایی که مقر آنها در امریکا و انگلیس است، برای جعل اخبار و رویدادهایی که بنوعی با انقلاب ایران ارتباط پیدا میکنند، از جمله این تلاشهاست، که نمونه های مختلف آنرا از بعد از پیروزی انقلاب بارها شاهد بوده ایم. بعنوان آخرین نمونه های این نوع تلاش خیرگزاریهایی، باید از انتشار اخبار پیاپی درباره رویدادهای افغانستان و باصطلاح قتل عام مردم و حتی کشتار صد هزار افغانی مسلمان نام برد و همچنین خبرهای مربوط به کمک مالی کشور لیبی به گروههای اخلالگر در ایران، که متأسفانه در مسائل ارتباط جمعی ایران، با عدم احساس مسئولیت انتشار یافته است و احساسات مردم را تحریک کرده است.

ماین سوال را مطرح میکنیم که: اگر به سوعیت خبر گزاریهایی غربی آگاهی داریم و این حقیقت حتی بارها از زبان رهبران انقلاب اعلام شده است، به چه دلیل و منطقی اخبار تحریک کننده آنها را، بازم بدون تحقیق و بدون احساس مسئولیت پخش میکنیم و حتی به آنها برای برانگیختن احساسات مردم اعتماد هم میکنیم؟

استفاده میشود. ساسفانه با آنکه بسیاری از رهبران انقلاب ایران بدرستی از این نقشه شوم امپریالیسم امریکا و دیگر کشورهای سرمایه داری، که منافشان در ایران و منطقه به خطر افتاده است، آگاهاند، و با آنکه میدانند رژیم انقلابی جوان ایران ابتدا میبایست به مشکلات درون مرزی خود توجه داشته باشد و پاهر گونه دست درازی امپریالیسم مبارزه کند، در برابر عناصری که سعی دارند درگیری های مرزی، تیره سازی روابط حسن همجواری با کشورهای همسایه و مشکلات بیرون مرزی برای ایران تازه استقلال یافته بوجود آورند، سکوت میکنند.

ما وظیفه انقلابی خود میدانیم که در این لحظات تاریخی و حساس اعلام داریم که رژیم جوان انقلابی ایران بیش از هر چیز به حل فوری و انقلابی مشکلات داخلی ایران نیاز دارد تا هر نوع زمینه را برای ضد انقلابیون از بین ببرد. ما بیونیه خود، در زمینه حل مشکلات روز، طی نامه سرگشاده ای، نظرات خود را اعلام داشته ایم و حاضر به هر نوع همکاری در این زمینه هستیم.

بدلیل وجود صدها مشکل داخل مرزی، که باید خلق ایران آنها را حل کند و پشت سر بگذارد تا باین ترتیب به امپریالیسم زخم خورده امان دوباره جان ایجاد هر گونه محیط تحریک آمیز در مرزهای ایران و مان زدن به احساسات مردم درباره مسائلی که همه حقایق آن، نه برای تحریک کنندگان و نه برای تحریک شوندگان معلوم نیست، باید پرهیز شود. ایران انقلابی نیاز به کشور گشائی و احیانا صدور انقلاب خود، دیگر کشورها ندارد و این در حالی است که نیاید به تمام نهضت های رهائی بخشی و اصیل یاری رساند و پشتیبان خلقهایی

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ودمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق